

# ” نه روسری نه توسی ، مرگ بر این دیکتاتوری “

## مبارزات دموکراتیک واقعیته غیر قابل انکار!

### گلی قبادی

امروز در ایران یک جنبش بزرگ و واقعی و فعال و گسترده و انکار ناپذیر با نام جنبش زنان در جریان است. این جنبش دارای تاریخ و سابقه و دستاوردها و تجربیات زیادی است که هزاران زن و مرد مبارز برای به ثمر رساندن خواسته‌های بر حق آن از هیچ کوششی دریغ نکرده و هزاران تن جان خود را در این راه از دست داده‌اند.

این جنبش از همان روزهای اول انقلاب میخ خود را بر زمین کوبید، و با واقع بینی ظلمها، بی حقوقی و نابرابریهای اجتماعی را به زیر سوال برد و پرچم مبارزاتی خود را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و قوانین زن ستیز و مرد سالارش برافراشت و با شعار ” نه روسری نه توسی مرگ بر این دیکتاتوری “ بدون هیچ توهمی این رژیم ضد زن را به مصاف طلبید.

اکنون پس از سه دهه که از سلطه این رژیم می‌گذرد، ما شاهد هر چه گسترده‌تر شدن این مبارزات در اشکال گوناگون برای بدست آوردن خواسته‌های زنان هستیم. آنها سعی کردند در اوج خفقان و دیکتاتوری به شیوه علنی به میدان آیند. در این راه رنجهای زیادی متحمل شدند؛ فداکاری کردند و قربانی دادند، و رژیم هم از هیچ شیوه غیر انسانی برای سرکوب آنها دریغ نکرد. ولی آنها عقب نشستند و هر روز مصمم‌تر از پیش و با روشهای تازه‌تری بمیدان آمدند .

در این میان ما شاهد رشد افکار و عقاید گوناگونی هم در این جنبش بوده‌ایم، که هر کدام در جای خود در ارتقاء مبارزات و بالا بردن آگاهی زنان تاثیرات بسزائی داشته است. هر جریان فکری برای پیشبرد نظرات خود از روشهای مبارزاتی خاصی هم استفاده کرده است. یکی از همین روشها که امروز بسیار بحث انگیز شده و تقریبا نامش برای همه آشنا است ”کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز“ است. این کمپین با خواسته‌های حق طلاق برای زنان ، سپردن سرپرستی فرزندان به مادران و..... به میدان آمده و روش جمع آوری یک میلیون امضاء را انتخاب کرده و برای تحقق آن از ارتباط نزدیک و رودررو با مردم و همچنین برگزاری جلسات آموزشی و گردهائیهای عمومی و از این طریق ساختن پل ارتباطی میان فعالین این جنبش کوشش میکنند. بدین شیوه کمپین با اعتراض خود به رژیم، تغییر قوانین نابرابر در جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است.

در این رابطه نظرات گوناگون و دیدگاههای مختلفی در برابر این حرکت مطرح شده است. سازمانهای بشر دوست در خارج از ایران این حرکت را تشویق کرده و به شهادت دست اندر کاران آن درود میفرستند و به آنها جایزه تقدیم میکنند. در برابر، حکومت جمهوری اسلامی طبق روال خود با زندان و جریمه نقدی و ممنوع الخروج کردن ، با آنها برخورد میکند .

در این میان بعضی از جریانات چپ براین عقیده‌اند که چون شعارهایی از قبیل سرنگونی رژیم و رفع حجاب اجباری در خواسته‌های کمپین مطرح نشده، پس قابل پشتیبانی نیست. و این در حالی بیان میشود که همیشه مطرح کرده‌اند که باید از مبارزات دمکراتیک پشتیبانی بعمل آورد.

از نظر من ما در مرحله‌ای از مبارزه هستیم که دانشجویان و کارگران و معلمان و زنان و.... دارای خواسته‌های دمکراتیک و روزمره و مقطعی هستند و برای تحقق آن مبارزه میکنند. مبارزه زنان هم در همین راستا قرار دارد که با خواسته‌های فمینیستی، آزادی و برابری با مردان و بدست آوردن حقوق انسانی به میدان آمده‌اند . تجربه مبارزات تاکنونی زنان اینرا نشان داده است که باید از خواسته‌های واقعی و روزمره شروع کرد و با پیشبرد مبارزه، تحقق خواسته‌های مشخص و مرحله‌ای از یک طرف ، و دامن زدن به بحثها و تبادل نظرهایی در زمینه

خواستهای گوناگون زنان از طرف دیگر روز به روز مبارزه را بمراحل پیشرفته‌تر و در نتیجه رسیدن به خواستهای بیشتری و حتی رسیدن به خواستهای طبقاتی سوق داد.

در نتیجه "کمپین یک میلیون امضاء" و مبارزاتی از این نوع در سهای خود را برای فعالین آن دارد و در صورت موفقیت، خواستهای بیشتری را در دستور کار خود خواهد گذاشت و در صورت عدم موفقیت باید دوباره تاکتیک را عوض کرده و در فکر روشی دیگر و نوعی دیگر از مبارزه باشد. تنها کاری که کمپین شروع کرده باید در جایگاه و مکان واقعی خود مورد ارزیابی قرار گیرد. کار این کمپین را باید همچون یک روش از مبارزه و یک تاکتیک مرحله‌ای و برای مقطعی معین و یک ابتکار عمل مشخص برای رسیدن به خواستهای معین دید. همچون مبارزات مقطعی که در دنیا هرروزه اتفاق می‌افتد. برای رسیدن به این خواستهای اجتماعی نمیتوان فقط به امید سرنگونی رژیم و یا سوسیالیزم دست روی دست گذاشت و به انتظار روز موعود نشست.

در راستای این مبارزات است که مبارزین و فعالین آن چگونگی وجود آوردن تشکیلات، کار گروهی، وجود آوردن بحثهای جمعی و دیالوگ و تبادل نظرهای مختلف روی مسائل گوناگون، احترام به نظرات متقابل و در کل رعایت دموکراسی و چگونگی کسب قدرت سیاسی را خواهند آموخت. و در نهایت رهبران و ایدئولوگهای خود را نیز پرورش خواهند داد، و یاد خواهند گرفت که در هر مرحله از مبارزه تاکتیکی را برای پیشبرد مبارزه انتخاب کنند که کمترین خطر و بیشترین دست آورد را داشته باشد.

در نتیجه وظیفه هر انسان مبارز و مدافع عدالت و برابری است که از مبارزات هر روزه زنان در خیابانها و ورزشگاهها گرفته تا تغییر قوانین، NGO ها و دهها شکل مبارزه دیگر (که ابتکار عمل را خود دست اندر کاران مبارزه تعیین میکنند)، پشتیبانی کرده و دست مبارزاتی شان را به گرمی بفشارند. و با شرکت فعال خود آنها را گسترش دهند. ضمن حمایت از آنها، با آنها تبادل نظر کرده و بحث و گفتگوهای سازنده را شروع کرده و در یافتن راه کارهایی برای رفع فشارها و موانع و مقابله با سرکوبگریهای جمهوری اسلامی همراهیشان کرد.

دیالوگ سالم و سازنده که دردی را از دردها کم کند و دردی را بر روی این مبارزات بگشاید؛ انتقادات سازنده و عملی، لازمه این مبارزه میباشد. زیرا یکی از نقطه ضعفهای مبارزات زنان در طول این سالها پراکندگی و عدم تشکل و همفکری و تبادل نظر بوده است.

مسئله دیگر، خفقان شدید جمهوری اسلامی و زندانی کردن رهبران این مبارزات است که عملاً سبب شده که آنها را از محیط مبارزه دور نگهداشته و ارتباطات میان آنها را دچار مشکل نماید.

البته راه چاره اصلی و نهایی این امر سرنگونی جمهوری اسلامی است و بس. که این امر نه با مبارزات زنان به تنهایی بلکه فقط با مبارزات متحدانه مردم قابل تحقق است. ولی هنر اینجاست که چگونه با وجود حاکمیت این رژیم بتوان شیوه‌ای از مبارزه‌ای را انتخاب کرد که رژیم را به عقب نشینی واداشته و امتیازاتی را به نفع زنان کسب کرد. زنان ایران از مدتها پیش این کار را شروع کرده و در حال رسیدن به موفقیت‌هایی هم هستند. آنها با مشخص کردن خواستهای خود و متشکل کردن و سازماندهی سراسری خود میروند تا این گره را بگشایند.

نقطه قوت این مبارزه، همگانی بودن این جنبش و شرکت تمام اقشار و طبقات با افکار و ایدئولوژیهای مختلف در آن است. این در واقعیت امر متدی است که جنبش زنان امروز نیازمند آنست.

دست در دست هم متحد و متشکل برای رسیدن به خواستهای انسانی و آزادی و برابری کامل با مردان و رفع هرگونه ستم بر زنان به مبارزه خود ادامه دهیم.